

تحقیقی درباره دعای ندبه

آیا این دعا شباهتی به عقاید «کیسانیه» دارد؟

رضوی میگیرند که جایگاه «محمد حنفیه» امام زمان فرقه کیسانیه است که معتقدند در این کوه از انظار مخفی شده و از آنجا ظهور خواهد نمود و پیروانش ' باندبه وزاری در پای این کوه و یا از دور روبه این کوه ؛ دعای کردند که خارج شود و قیام نماید .

گذشته از اینکه سرگذشت حضرت مهدی ؛ نه در زندگی و نه در غیبت صغری و نه در غیبت کبری و نه پس از ظهور ؛ هیچ رابطه‌ای با این کوه ندارد، اساساً « غیبت او بدین صورت نیست که در جای مخصوصی پناه گرفته باشد بلکه همه جا حاضر و ناظر است و این ماهستیم که او را تشخیص نمی‌دهیم و بنابر این ، سؤال از اینکه ؛ تو در کدام جایگاه مخفی بسمی بری» ، ظاهراً بانوع غیبت حضرت مهدی موعود شیعه امامی سازگار نیست .
مطالعه دقیق متن دعای ندبه که از ائمه ما

بعضی از خوانندگان محترم از ما سؤال می‌کنند :
اخیراً در کتابی چنین خوانده‌ایم که در دعای ندبه عباراتی هست که با عقاید شیعه اثنی عشری سازگار نیست و با عقیده فرقه «کیسانیه» شباهت دارد ، عین عبارت کتاب را ذیلا نقل می‌کنیم و از شما خواهش داریم پاسخ این ایراد را مشروحاً بیان کنید اینک عین ایراد از کتاب مزبور :
« در دعای ندبه به این مسأله اشاره شده است که می‌رسد : «نمیدانم کدام سرزمین تورا در بر گرفته است؟ قرار گاهت کجاست ؟ در کوه رضوی یاذی طوی ؟ ... ؟ » ؛ نمیدانم این دعا که امروز آنرا در بسیاری از محافل مذهبی ؛ خطاب به امام زمان ما می‌خوانند (و در سالهای اخیر سخت رواج یافته و گروههای خاصی برای این کار تشکیل شده است) چرا سراغ حضرت مهدی را در ذی طوی و کوه

به «تصریح و ترتیب» نام نمی برد پس از حضرت امیر که به تفصیل از مناقب و فضائل وی سخن میگوید - **ناگهان و بیواسطه**؛ ، به امام غائب خطاب میکند. باز این سؤال را بیشتر در ذهن طرح می کند ، بهر حال ، این مطلب را فقط بمنوان يك سؤال علمی مطرح میکنم ، نه يك قضاوت قطعی .

پاسخ

دعای ندبه بحق ، یکی از دعاهای جالب و پر معنی است . از نظر فصاحت بسیار فصیح و روان و حساب شده و متین است و از نظر محتوا باید گفت يك دعای علمی ، انقلابی ، عقیدتی و سیاسی و در عین حال بسیار پراحساس و عاطفی است و اگر درست به مفهوم آن آگاهی حاصل گردد می تواند منبع **الهام بخشی برای مبارزات اجتماعی و برضد ظلم بوده باشد** .

در آغاز دعا نخست اشاره ای به فلسفه پشت پیامبران ، و سپس اشاره کوتاهی به تاریخچه آنان و مقامات مختلف هر يك ، و سپس بطور مشروحتر بعضی از قیام پیامبر اسلام و مقامات آن بزرگوار ، و بعد بطور مشروح خلافت بلا فصل امیر مومنان علی (ع) با دلائل و مدارك زنده و قاطعی از آیات و روایاتی که مورد قبول همه فرق اسلامی است مورد بحث قرار گرفته ، و به علل قیام جمعی از امت برخلاف اهل بیت و خاندان پیغمبر و شهادت و کشتار و تبعید آنان ، و سپس به دعوت امامان یکی بعد از دیگری اشاره رفته است ؛ بطوریکه قلوب را کاملاً متوجه به قیام مهدی (ع) می نماید و از آن پس با لحنی عاشقانه و آمیخته با هیجان خاص

روحی و عمیقترین احساسات انسانی خطاب به ولی عصر (ع) می شود و ضمن ابراز اشتیاق شدید به قیام حضرتش ، برنامه اصلاحی و انقلابی او تصریح میگردد و بعد با چند نیایش زنده و مؤثر دعا پایان می پذیرد (این از نظر محتویات دعا .)

اما اینکه بعضی پنداشته اند که این دعاشباهتی با عقائد کیسانیه دارد کاملاً مردود است ، و قبلاً لازم است چند جمله کوتاه در معرفی مذهب کیسانیه ذکر کرده ، و سپس شواهد رد پندار بالارا از خود دعا استخراج کنیم .

(کیسانیه) آنچنان که در کتب عقاید و مذاهب آمده است : يك فرقه شیعه چهار امامی بودند که پس از - علی (ع) و امام حسن (ع) و امام حسین (ع) به امامت «محمد حنفیه» عقیده دارند و گفته می شود علت اینکه آنها را کیسانیه می نامند این است که که یکی از هواخواهان سرسخت این مذهب شخصی به نام «کیسان» بود که خود را از علاقه مندان علی (ع) معرفی می کرد و بعضی هم «کیسان» را از القاب «مختار بن ابی جمیل» میدانند و او را از پیروان این مذهب ذکر کرده اند .

گرچه کیسانیه خود منشعب به شعبی شده اند ولی شعبه مشهور آنها عقیده دارند که «محمد حنفیه» هم اکنون زنده است و در کوه «رضوی» در اطراف مدینه در نقطه دور افتاده ای زندگی میکند و خداوند آب آشامیدنی و غسل های کوهی در اختیار او قرار داده است و «مهدی منتظر» او است .

گفته میشود «کثیر» شاعر معروف عرب از پیروان این فرقه است و هم او است که در اشعارش می گوید:

کیسانیه قائل گردد. اگر فرضاً کلمه «رضوی» ایجاد شبهه‌ای کند (که خواهیم دید نمی‌کند) این سه جمله صریح هر گونه شبهه‌ای را می‌تواند بر طرف سازد.

۴ - در این دعا بعد از جمله این ابناء الحسین میخوانیم صالح بعد صالح و صادق بعد صادق این السبیل بعد السبیل، این الخیرة بعد الخیرة این - الشمس الطالعة؛ این الاقمار المنيرة، این الانجم الزاهرة، این اعلام الدین و قواعد العلم این بقیة الله: «کجا هستند فرزندان امام حسین (ع) صالح پس از صالح دیگر، و راستگویی پس از راستگوی دیگر، کجا هست راه بسوی خدا پس از دیگری، انتخاب شده‌ای (از سوی خدا) پس از دیگری، کجا هستند خورشیدهای درخشان، و ماههای تابان و ستارگان فروزان، و پرچمهای آئین حق و پایه‌های علم و دانش. سپس جمله را بصورت مفرد آورده و می‌گوید: کجاست آن کس که خدا او را ذخیره کرده است...؟»

این جمله‌های مکرر به روشنی می‌گوید بعد از امام حسین (ع) امامان متعددی بودند که یکی پس از دیگری برای اصلاح امت و دعوت به سوی خدا و بسط علم و دانش قیام کردند، تا می‌رسد به آخرین ذخیره الهی و او را به صورت مفرد بیان کرده است.

با این حال می‌توان شباهتی برای دعاء ندبه با عقاید کیسانیه پیدا کرد؟ آنها که برای فرزندان امام حسین (ع) منصبی قائل هستند و نه غیر از محمد بن

الان الائمة من قریش
ولاة الحق اربعة سواه

علی و الثلاثة من بنیه
هم الاسباط لیس بهم خفاء ...

وسبط لا ینذوق الموت حتی
یقود الخیل یقدمها الولا،
یغیب لا یری فیهم زمانا

برضوی عنده غسل و ماء
شاعر در این اشعار عدد ائمه را چهار نفر: علی (ع) و سه فرزندش را ذکر میکند و سپس به غیبت محمد بن حنفیه در کوه رضوی اشاره مینماید. امروز این فرقه کمتر پیروان شناخته شده‌ای دارد، و غالباً ما نام آنها را در کتب تاریخ ادیان می‌یابیم. اکنون به اصل سخن باز گردیم:

دعای ندبه با صراحت تمام مذهب کیسانیه را نفی میکند و با عقاید شیعه اثنی عشری کاملاً منطبق است زیرا:

۹ - در سه جمله از دعای ندبه در باره نسب حضرت مهدی میخوانیم «و این خدیجة الغراء، و «ابن فاطمه الكبرى» و «جدته الصدیقة الكبرى فاطمة بنت محمد ص» یعنی او از فرزندان خدیجه و فاطمه (ع) است.

در حالی که محمد بن حنفیه هیچگونه نسبتی با «خدیجه» و نه با حضرت «فاطمه» دخت پیامبر اسلام ندارد، چه اینکه مادرش «خولة حنفیة» دختر جعفر بن قیس بود، نه ارتباطی به خدیجه داشت و نه با فاطمه زهراء (ع) با اینحال جای تعجب است که کسی برای دعای ندبه شباهتی به عقاید

توضیح اینکه :

«**یاقوت حموی بغدادی**» نویسنده معروف در کتاب «**معجم البلدان**» درباره «رضوی» چنین می نویسد :

«رضوی... کوهی است در اطراف مدینه و رضوی (بروزن رجبی) منسوب به آن را گویند ، پینمبر اکرم (ص) درباره این کوه فرمود: رضوی کوهی است که خدا از آن راضی و خشنود است سپس بعد از نام بردن از کوههای مقدس دیگر در ذیل کلام خود می گوید :

«**رام بن اصبح سلمی** گفته است : «**رضوی کوهی است که از «ینبع» يك روز فاصله دارد و در هفت منزلی مدینه است و یکی از کسانی که این کوه را سیر کرده بمن اطلاع داد که آب فراوان و درختان بسیاری دارد ، و این همان کوهی است که طایفه کیسانیه می پندارند «محمد بن حنفیه» در آن اقامت دارد و زنده است» .**

و اما «**ذی طوی**» که بعد از کوه «**رضوی**» در دعای ندبه آمده یکی از کوههای اطراف مکه است که در راه «**تنعیم**» قرار دارد و يك فرسخ از مکه فاصله دارد و از آنجا خانه های مکه دیده می شود .
در روایتی از امام باقر (ع) وارد شده : که حضرت قائم از طریق **ذی طوی** وارد سرزمین مکه میشود و نخست با مجاهدانی به تعداد مجاهدان بدر (نخستین برخورد اساسی اسلام و کفر) به کنارخانه کعبه می آید و پرچم انقلاب و پیروزی را در آنجا برمی افرازد .

حنفیه امامان دیگری را به رسمیت می شناسند . آیا جای تعجب نیست که گفته شود پس از ذکر ولایت علی (ع) مطلب یریده شده و امامان وسط نادیده گرفته شده اند و تنها سخن از مهدی بمیان آمده و این مناسب عقیده فرقه کیسانیه است! آیا این ده جمله پی در پی درباره امامان دیگر بخاطر اینکه اسمشان صریحاً برده نشده - کافی بنظر نمی رسد؟! آیا برای نفی عقاید کیسانیه ده جمله کم است !؟

۳ - در جمله های «**بنفسی انت من مغیبالم یخلمنا بنفسی انت من نازح ما نزع عنا**» خطاب به ولی عصر (ع) می گوئیم : «**جانم بنفدایت که پنهانی ولی از ما خالی نیستی و دوری هستی که از ما جدا نیستی**» ...

در این دو جمله مهدی (ع) را در میان خود و نزدیک به خود معرفی می کنیم و این خود میرساند که غیبت او باین معنی نیست که همچون يك موجود نامرئی و در مکان خاصی از چشمها پنهان باشد ، بلکه بصورت ناشناس در اجتماعات رفت و آمد دارد و محل ثابتی برای او وجود ندارد .

۴ - از آنچه در بالا گفتیم روشن شد که فقرات این دعای یکی پس از دیگری عقیده فرقه خرافاتی کیسانیه را نفی میکند و با عقیده شیعه اثنی عشری کاملاً منطبق است .

تنها چیزی که باقی میماند وجود کلمه «**رضوی**» در یکی از جمله های این دعا است ، که نکته آن با مراجعه به مدارک و منابع اسلامی روشن میگردد (دقت کنید)

ما امیدواریم در آینده کسانی که میخواهند باینگونه مسائل خرده گیری کنند برای اثبات حسن نیت خود «قبلا» آنرا باجمعی از متخصصان و اهل فن که عمری در مباحث اسلامی زحمات کشیده‌اند درمیان بگذارند اگر پاسخی در یافت نکردند کاملاً آزادند آنرا نسردهند ولی اگر پاسخ آنرا شنیدند **افکار عمومی را مشوب ناسخته باشند**.

* * *

ذکر این نکته نیز لازم است که اخیراً کتابچه مختصری درباره دعای ندبه و حمله به سند و متن آن انتشار یافته که در نوع خود عجیب است نویسنده این کتابچه ایراداتی بالحنی زننده بردعای ندبه گرفته است که هیچکدام آن درست نیست و چون نیاز زیاد به بحث علمی ندارد یکی دو مورد آنرا بعنوان نمونه مطرح می‌کنیم ، وضع بقیه را می‌توان از آن بدست آورد .

۱- نخستین اشکالی که بر متن دعایمیکیرد این است که چر اراجع به حضرت ابراهیم (ع) در دعایچنین آمده است **«وَسَأَلْكَ لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ فَاجْتَمَعَتْ وَجَعَلَتْ ذَلِكَ عَلِيًّا** سپس ایراد کرده که جمله **جَعَلَتْ ذَلِكَ عَلِيًّا** اصلاً تناسبی با جمله قبلی ندارد (مثل اینکه ایراد کننده خیال کرده کلمه علیاراً بمعنی علی (ع) می‌گیریم !) ولی با مراجعه به قرآن معنی دو جمله کاملاً از هر جهت روشن است زیرا قرآن در آیه ۸۴ سوره شعراء از قول ابراهیم نقل میکند که از خداوند تقاضا کرد **اجعل لی لسان صدق فی الاخرین**

از آنچه در بالا ذکر شده، نتیجه می‌گیریم که رضوی از کوههای مقدس بوده و در روایات پیامبر (ص) آمده است (مقدس بودن يك سرزمین یا يك کوه یا مثلاً حجر الاسود بخاطر جنبه‌های تاریخی و حوادث مهمی است که در طول تاریخ بشر بر آنها گذشته و مربوط به صحنه‌های فداکاری مردان خدا است که بخود دیده‌است).

بنابر این کوه رضوی پیش از آنکه در عقاید کیسانیه نقشی پیدا کند در سخنان پیامبر وارد شده است بلکه شاید انتخاب این کوه از طرف کیسانیه برای عقاید خود بخاطر همان «قداست» آن بوده تا رنگ قداست به معتقدات باطل خود بدهند .

با اینحال اگر رضوی در دعای ندبه آمده، آنرا باید به ریشه اصلی که در گفتار پیامبر است بر-گردانیم نه به عقیده کیسانیه که جنبه فرعی دارد . شاهد دیگر این سخن ذکر کوه «ذی طوی» که در نزدیکی مکه است می‌باشد زیرا ذی طوی به هیچ وجه دخالتی در عقاید کیسانیه ندارد ، و از همه گذشته کلمه «ام‌غیرها» است (یعنی یاغیر اینها) که در دعای ندبه آمده ، و این خود دلیل بر اینست که حضرت مهدی (ع) برخلاف پندار کیسانیه محل خاصی ندارد و در شهرها و کوهها و نقاط مختلف جهان ممکن است رفت و آمد داشته باشد و همچون جدش پیامبر (ص) که گاهی در جبل النور و غار حرا و زمانی در کنار خانه کعبه و زمانی در میان مردم مکه یا مدینه بود حضرت مهدی (ع) نیز در نقاط مختلفی ممکن است بسربرد و گاهی نیز در میان ماست .

و در آیه ۵۰ سوره مریم درباره ابراهیم و اسحاق و یعقوب میگوید **وجعلناهم لسان صدق علیا** از ترکیب این دو آیه بهم جمله ای که در متن دعا است اقتباس شده است .

این اقتباس زیبا از دو آیه قرآن عیبش کجاست؟ آیا سر سوزن اشکالی دارد ؟ و معنی مجموع دو جمله این است : « ابراهیم از تو خواست که آیندگان از او به راستی یاد کنند و تو دعای او را اجابت کردی و آنرا بطور عالی و کامل قرار دادی » .

و آخرین اشکال او بر متن دعای این است که: جمله « **ثم جعلت اجر محمد صلواتك علیه وآله مودتهم فی کتابك فقلت قل لا اسئلكم علیه اجرا الا المودة فی القربی** » (یعنی پاداش محمد (ص) را دوستی خاندانش قرار دادی و در قرآن فرمودی بگو از شما پاداشی جز دوستی آنان نمی خواهم) با آنچه در قرآن آمده که **قل لا اسئلكم علیه اجرا** (یعنی هیچ پاداشی

از شما نمی خواهم) تناقض دارد زیرا در یکجا پاداش می خواهد و در جای دیگر نمی خواهد .

جالب اینکه پاسخ این ایراد را خود دعای ندبه در جمله بعدی با ذکر آیه سومی بوضوح بیان کرده است آنجا که میگوید : **وقلت ما سئلتکم من اجر فهو لکم** (یعنی آنچه بعنوان پاداش خواستم نه بسود من بلکه بسود خود شماست) .. زیرا مودت اهل بیت (ع) وسیله ای برای اقتباس از علوم و معارف و هدایت آنهاست ، بنابراین در حقیقت پینمبر اکرم هیچگونه اجر و پاداشی در برابر رسالت از مردم نخواستند . و آنچه خواسته سوادش بخود مردم باز می گردد .

خلاصه اینکه متن دعا بسیار عالی و حساب شده و فصیح است ، و اینگونه اشکالات از عدم توجه به آن صورت می گیرد .

در باره **سند دعای ندبه** به خواست خدا جداگانه بحث خواهیم نمود .

حتی کشتار پرندگان

پینمبر اسلام (ص) میفرماید :

کسیکه پرنده ای را - بی جهت - به قتل برساند روز رستاخیز در پیشگاه

عرش خدا ناله سر میدهد : خدایا از او پیرس چرا - بیهوده - مرا کشت ؟

« نهج الفصاحه »